

ریحانه عامل نیک | بافارسیدن ماه محرم، دل‌های بسیاری به سوی کربلا و یاد بزرگ‌ترین حماسه تاریخ اسلام متوجه می‌شود؛ حماسه‌ای که در آن، حقیقت در برابر تحریف ایستاد و آزادگی معنایی تازه یافت. عاشورا تنها یک واقعه تاریخی نیست، بلکه مدرسه‌ای همیشگی برای فهم نسبت انسان با عدالت، ایمان و مسئولیت اجتماعی است. هر سال با آغاز این ماه، جامعه مؤمنان می‌کوشد بار دیگر به پیام‌های نهفته در قیام امام حسین (ع) بازگردد و آن‌را در پرتو شرایط و مسائل زمانه خود بازخوانی کند.

در سنت دینی ما، نقل و تبیین واقعه کربلا تنها به سوگواری محدود نمی‌شود؛ بلکه فرصتی برای تعمیق معرفت و فهم ابعاد مختلف این نهضت الهی است. از همین رو، گفت‌وگو با اندیشمندان و خطیبان دینی می‌تواند دریچه‌ای تازه برای درک پیام‌های عاشورا و بازاندیشی در مفاهیم بنیادینی چون ظلم‌ستیزی، وفاداری، ایثار و مسئولیت‌پذیری بگشاید.

در همین راستا، گفت‌وگویی با **حجت‌الاسلام والمسلمین مسعودیوسفی** انجام شده است که در آن، ضمن بازخوانی ابعاد معرفتی و تاریخی واقعه عاشورا، به برخی نکات کمتر گفته‌شده درباره پیام‌ها و جلوه‌های معنوی این حادثه پرداخته می‌شود. آنچه در ادامه می‌آید، مشروح این گفت‌وگو و روضه مکتوب است که با هدف تأملی دوباره در پیام‌های ماندگار حرکت جناب مسلم بن عقیل و نهضت سیدالشهدا (ع) تقدیم مخاطبان می‌شود.



تأملی در نسبت نیت، سنت و کنش اجتماعی
در بسیاری از رفتارهای فردی و اجتماعی، نخستین چیزی که برای توجیه یک عمل به آن استناد می‌شود، نیت انجام‌دهنده است. انسان‌ها معمولاً می‌گویند قصدشان خیر بوده، هدفشان اصلاح بوده یا انگیزه‌شان دفاع از حق و مقابله با باطل بوده است. این سخن در جای خود اهمیت دارد؛ زیرا در معارف دینی نیز نیت، جایگاهی بنیادی دارد و عمل بدون نیت درست، از ارزش حقیقی برخوردار نیست.

با این حال، نگاه دینی به مسئله عمل، تنها در نیت متوقف نمی‌ماند. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «هیچ گفتاری، جز یا کردار ارزش ندارد و هیچ گفتار و کرداری، جز با نیت و هیچ گفتار و کردار و نیتی، جز با انطباق بر سنت» (الکافی: ۹/۷۰/۱). همان‌طور که در متن حدیث ملاحظه می‌کنید «لا عمل إلا بنیة»؛ یعنی عملی پذیرفته نیست مگر آنکه با نیت همراه باشد. اما همین معنا در ادامه کامل‌تر می‌شود؛ آنجا که گفته می‌شود: «لا نیة إلا بإصابة السنة». یعنی نیت نیز زمانی اعتبار می‌یابد که به سنت اصابت کند و با راه‌روسم مورد رضای دین هماهنگ باشد.

این بیان، مرز مهمی را روشن می‌کند: نیت خیر شرط لازم است، اما شرط کافی نیست. عمل دینی فقط آن نیست که از انگیزه‌ای پاک آغاز شود؛ بلکه باید در روش، شیوه و صورت تحقق خود نیز با سنت و سیره معصومین (ع) سازگار باشد. به بیان دیگر، هم مقصد اهمیت دارد و هم مسیر. نمی‌توان به نام هدف درست، هر راهی را برگزید و سپس آن را با حسن نیت توجیه کرد.

وقتی مسیر هم اهمیت دارد

در منطق دینی، روش انجام عمل صرفاً یک ابزار خشن نیست. راه، خود بخشی از حقیقت عمل است. ممکن است انسان هدفی درست را دنبال کند، اما اگر برای رسیدن به آن هدف، شیوه‌ای نادرست برگزیند، حقیقت عمل دگرگونی می‌شود.

گزارش

همزمان با آغاز ماه محرم، فصل جدید «حسینیة معلی» از جوار بارگاه منور رضوی روی آنتن رفت

روضه جناب مسلم در روز اول محرم، درسی برای کنشگری اجتماعی

روضه اول؛ نیت خیر، مجوز هر روشی نیست



از همین رو است که در سنت دینی، رفتار انسان نه فقط از منظر انگیزه، بلکه از منظر انطباق با الگوی الهی و سیره امام نیز سنجیده می‌شود.

این مسئله به‌ویژه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. زیرا در این عرصه‌ها، انسان‌ها معمولاً با مفاهیم بزرگی همچون عدالت، اصلاح، حق‌خواهی، اعتراض و مقابله با ظلم سخن می‌گویند. هر یک از این مفاهیم می‌تواند انگیزه‌ای شریف و محترم باشد؛ اما پرسش اصلی همچنان باقی است: آیا شیوه‌ای که برای تحقق این هدف انتخاب شده، با سنت و سیره معصوم (ع) همخوانی دارد یا نه؟

اینجاست که معیار «اصابت به سنت» از یک بحث نظری به یک‌سنجه عملی تبدیل می‌شود. انسان مؤمن نمی‌تواند تنها به به درستی نیت خود اکتفا کند. او باید دائم‌روش خود را نیز در معرض داوری قرار دهد و بپرسد آیا این نوع رفتار، این شیوه اعتراض، این مدل انتقاد و این صورت از کنش اجتماعی، همان چیزی است که در منطق امام پذیرفتنی است یا نه.

درسی از رفتار جناب مسلم بن عقیل

برای فهم بهتر این معنا می‌توان به یکی از فرازهای مهم تاریخ صدر اسلام توجه کرد؛ ماجرای حضور مسلم بن عقیل در خانه هانی. در آن موقعیت، شرایطی فراهم شد که مسلم می‌توانست عبیدالله بن زیاد را از میان بردارد. عبیدالله، چهره‌ای شناخته‌شده در ظلم و جنایت بود و حذف او، در نگاه نخست می‌توانست اقدامی در مسیر مقابله با باطل تلقی شود.

اما مسلم بن عقیل چنین نکرد. او با آنکه امکان اقدام داشت، از ضرب‌هزدن در آن شرایط خودداری کرد. اهمیت این رفتار دقیقاً در همین نقطه آشکار می‌شود. مسئله این نبود که عبیدالله شایسته مقابله نبود؛ مسئله این بود که شیوه پیشنهادی، با آنچه مسلم از سیره و راه امام می‌شناخت، سازگار نبود.

مسلم بن عقیل در آن لحظه نشان داد حتی در برابر دشمن نیز باید نمی‌توان هر روشی را مجاز دانست. او نشان داد مبارزه با ظلم، اگر قرار است در مسیر حق باقی بماند، باید خود نیز به قواعد حق پایبند باشد. در این منطق، حق‌خواهی با بی‌ضابطگی جمع نمی‌شود و نیت خیر، اجازه عبور از مرزهای سنت را صادر نمی‌کند.

از عمق تاریخ تا امروز

ماجرای مسلم بن عقیل تنها یک روایت تاریخی نیست؛ بلکه الگویی برای سنجش رفتار امروز ما نیز هست. جامعه دینی همواره با موقعیت‌هایی روبه‌رو می‌شود که در آن‌ها افراد یا گروه‌ها به نام عدالت، اصلاح، دفاع از حق یا نقد

خطاها وارد میدان می‌شوند. اصل این دغدغه‌ها می‌تواند ارزشمند باشد، اما کافی نیست. آنچه باید مورد پرسش قرار گیرد، فقط هدف اعلام‌شده نیست؛ بلکه شیوه تحقق آن هدف نیز هست. گاهی انسان گمان می‌کند چون قصد اصلاح دارد، پس هر نوع بیان، هر مدل اعتراض، هر شیوه مواجهه و هر شکل از کنشگری برای او مجاز است. اما درس مسلم بن عقیل چیز دیگری است. او به ما یادآوری می‌کند

حتی در سخت‌ترین بزنگاه‌ها نیز باید نسبت خود را با سیره امام روشن کنیم. باید دید رفتار ما فقط از نظر نیت قابل دفاع است یا از نظر روش نیز در امتداد سنت قرار دارد.

این نکته، به‌ویژه برای فضای اجتماعی امروز اهمیت دارد؛ فضایی که در آن سخن گفتن، نقد کردن، مطالبه‌گری و موضع‌گیری، بسیار سریع و گسترده رخ می‌دهد. در چنین شرایطی، خطر آن است که انسان تنها به درستی انگیزه خود، تکیه کند و از ارزیابی روش غفلت بورزد. حال آنکه در نگاه دینی، روش نادرست می‌تواند هدف درست را نیز آلوده کند.

حق را راه حق باید جست

اگر مقصد، عدالت است، راه رسیدن به آن نیز باید عادلانه

۷ روایت قدس

یادبود

یادی از مرحوم بهروز رضوی

هنرمندی که با صدایش همه را به صحن انقلاب می‌برد

مریم احمدی شیروان | بعضی صداها فقط شنیده نمی‌شوند؛ در دل می‌نشینند و سال‌ها بعد، با نخستین طنینشان، خاطره، احساس و شوق را یکجا زنده می‌کنند. خبر درگذشت بهروز رضوی از همان جنس خبرهایی بود که کوتاه‌اند اما سنگین؛ کوتاه از آن‌رو که در چند سطر جا می‌گیرد و سنگین از آن‌رو که بر دوش حافظه شنیداری یک نسل می‌نشیند. این هنرمند نام‌آشنا، شامگاه ۲۴ خرداد ۱۴۰۵ چشم از جهان فروبست؛ اما برای دوستداران فرهنگ و به‌ویژه برای آنان که با فضای معنوی آستان قدس رضوی مانوس‌اند، او تنها یک گوینده رادیوی یا دوبلور خوش صدا نبود. رضوی راوی صادق لحظه‌هایی بود که دل انسان در میانه صحن و سرای حرم مطهر، در میان کاشی‌ها، نقاره‌ها و زمزمه زائران آرام می‌گیرد.

وقتی قطار دل در ایستگاه هشتم می‌ایستد

بهروز رضوی در حافظه فرهنگی ایران با صدایی مخملی، گرم و نجیب شناخته می‌شد؛ صدایی که به هر متن، وقار می‌بخشید و از هر واژه، تصویری ماندگار می‌ساخت. اما جایگاه او در روایت‌های رضوی، رنگ و بویی دیگر داشت. او از جمله صداهایی بود که فاصله‌ها را از میان برمی‌داشت؛ فاصله میان شهرهای دور و حرم مطهر، میان زائران مشتاق و گنبد زین، و میان دل‌تنگی و حضور. همین ویژگی بود که سبب شد نام او در کنار تولیدات صوتی و تصویری آستان قدس رضوی، به‌ویژه مستند «در این قطعه از بهشت» با احترام و ماندگاری همراه شود.

اگر «در این قطعه از بهشت» را دیده یا شنیده باشید، بعید است آغاز آن را فراموش کرده باشید: صدای روحانی اذان در صحن و سرا، سپس سوت قطار، بعد طنین نقاره‌ها و آن‌گاه آن سلام آرام و پرشکوه که در فضا می‌پیچد: «السلام علیک یا علی بن موسی الرضا (ع)». در ادامه نیز همان لحن آشنا، با وقاری دلنشین می‌گوید: «السلام علیک یا امام زئوف، السلام علیک یا شمس الشموس، ایها المدفون بارض طوس...» این آغاز، فقط یک نریشن نبود؛ دعوتی بود به زیارت. دعوتی که برای زائر دورافتاده در شهری دور، همان اثر را داشت که برای مجاوران صحن انقلاب دارد: شکستن دیوار فاصله و نشاندن دل در آستان امام مهربانی‌ها.

این مستند که اکنون نزدیک به دو دهه از ساخت آن می‌گذرد، هنوز هم تازگی خود را حفظ کرده است؛ نه به‌خاطر تصویر یا تدوین، بلکه بیش از همه به برکت صدای راوی اش. رضوی در این اثر، تاریخ را روایت نمی‌کرد، بلکه حال و هوا می‌ساخت. او مخاطب را از پشت صفحه تلویزیون با بلندگوی رادیو عبور می‌داد و در میانه حرم می‌نشانند. صدای او نوعی آرامش در خود داشت؛ آرامشی که نه در تصنع، که در صداقت نهفته بود. همین صداقت، «در این قطعه از بهشت» را از یک اثر معمولی فراتر برد و آن را به بخشی از حافظه زیارتی مردم بدل کرد.



نجوای مخلصانه‌ای که امضای همیشگی حرم مطهر شد

برای درک بهتر جایگاه این صدا در حرم مطهر، سراغ اکراد، از مسئولان اداره مراسم آستان قدس رضوی رفتیم. او می‌گوید آنچه از رضوی در ذهن خادمان و زائران مانده، صرفاً یک روایت حرفه‌ای نیست، بلکه امضایی ماندگار برای عرض ارادت به ساحت حضرت رضا (ع) است. به گفته او، خلوص موجود در سلام آغازین آن مستند، چنان صادقانه بود که در سال‌های بعد نیز در بسیاری از تولیدات صوتی و تصویری حرم مطهر بازتاب یافت. از نگاه او، رضوی با وجود آنکه آثار پرشماری برای آستان قدس نداشت، همان چند اثر را چنان اجرا کرد که هر یک به‌تنهایی می‌توانند نمونه‌ای از هنر متعهد و مؤثر باشند.

ویژگی مهم رضوی در این گونه آثار، کم‌گویی و گزیدگی بود. او اهل زیاده‌گویی نبود؛ اما هر جا سخن می‌گفت، کلامش اثر می‌گذاشت. در آثار مرتبط با حرم مطهر، او بیش از آنکه نمایش مهارت‌های حرفه‌ای اش را هدف بگیرد، خود را وقف معنا می‌کرد. گویی در برابر نام امام رضا (ع)، تکنیک را کنار می‌گذاشت و تنها با سلاح ارادت وارد می‌شد. از همین رو است که صدای او در این آثار، بیشتر به نیایش شباهت دارد تا روایت؛ نیایشی قدیمی، صمیمی و ماندگار که با هر بار شنیده شدن، همچنان تازه است.

خدمت با یک سلام خالصانه و صدای ماندگار

بهروز رضوی در کارنامه هنری اش آثار مهم و متنوعی داشت؛ از برنامه‌های رادیویی و «کتاب شب» تا روایت‌های حماسی و ادبی، از جمله شاهنامه. اما در میان همه آن‌ها، پیوند او با آستان حضرت شمس‌الشموس (ع) رنگی متفاوت داشت. آنجا او فقط گوینده نبود؛ خادم بود. اگرچه بی‌لباس خادمی. خادمی که با یک سلام خالصانه و حنجره‌ای نجیب، خدمتی انجام داد که شاید در ظاهر کوچک به نظر برسد، اما در حافظه جمعی زائران و مجاوران، بسیار بزرگ و ماندگار شد.

اکنون بهروز رضوی دیگر در میان ما نیست، اما صدایش همچنان در نقاره‌خانه خاطره‌ها، در سوت قطارهای مشهد و در زمزمه زائرانی که از دور سلام می‌دهند، زنده است. او رفت، اما آن قطعه از بهشت که برای ما روایت می‌کرد، با صدای او جاودانه شد. یادش گرامی و طنین صدایش در پناه امام زئوف (ع) ماندگار باد.

شریعتی نیز همچنان اجرای برنامه را برعهده دارد.

از مشهد تا کربلا؛ پلی میان دو حرم

شاید مهم‌ترین ایده‌ای که در فصل جدید دنبال می‌شود، ایجاد پیوندی معنوی میان دو حرم باشد؛ میان حرم مطهر امام رضا (ع) در مشهد و حرم مطهر امام حسین (ع) در کربلا. اگرچه فاصله جغرافیایی میان این دو بارگاه بسیار است، اما عوامل برنامه تلاش کرده‌اند از دل قاب تلویزیون، نوعی بین‌الرحمن معنوی برای مخاطبان بسازند؛ فضایی که در آن، عطر زیارت رضوی با اشک روضه‌های حسینی در هم بیامیزد. در روزهایی که جامعه بیش از همیشه به آرامش، همدلی و امید نیاز دارد، «حسینیة معلی» می‌کوشد این پیام را به مخاطبان خود برساند که آغوش امام رضا (ع) همچنان برای مردم ایران گشوده است و راه کربلا نیز همچنان از دل همین دلدادگی‌ها می‌گذرد.

روایتی از شفا؛ نه‌برای جسم، برای دل

شاید تأثیر این فضا را بتوان در روایت یکی از میهمانان برنامه دید؛ همسر شهیدی که در یکی از قسمت‌های ضبط‌شده حضور داشت. او پس از پایان برنامه برای عوامل تعریف کرده بود که از زمان شهادت همسرش، با وجود مراجعه به مشاور، روان‌شناس، شرکت در جلسات مختلف و برگزاری روضه‌های خانگی، نتوانسته با داغ سنگین خود کنار بیاید. اما حضور در حرم مطهر امام رضا (ع) و فضای «حسینیة معلی» تجربه دیگری برایش رقم زده؛ تجربه‌ای که به گفته خودش، او را به گریه‌ای رساند که سال‌ها در انتظارش بود و بخشی از اندوه سنگینش را آرام کرد.

اکنون محرم آغاز شده است. قاب تلویزیون بار دیگر روشن شده و صدای روضه از خانه‌های مردم به گوش می‌رسد. این بار اما میان روضه‌های کربلا، تصویر گنبد طلایی نیز دیده می‌شود؛ گنبدی که انگار می‌خواهد در نخستین شب‌های محرم، دست دل‌های بی‌قرار را بگیرد و آن‌ها را از صحن‌های حرم مطهر رضوی تا خیمه‌های سوخته دشت نینوا همراهی کند.



پیش از ساخت دکور فصل نخست، خاک تریب سیدالشهدا (ع) در محل کار ریخته شد، روضه خوانده شد و قربانی کردند تا همه چیز با نام امام حسین (ع) آغاز شود. به گفته او، اعضای گروه حتی سعی می‌کردند کمتر از واژه «استودیو» استفاده کنند؛ چراکه باور داشتند جایی که به‌نام سیدالشهدا (ع) برپا می‌شود، بیش از آنکه یک استودیو باشد، یک حسینیة است. همین نگاه طی پنج‌سال گذشته در تاروپود برنامه جریان داشته؛ از زیارت عاشورایی که پیش از ضبط هر قسمت خوانده می‌شود تا حال و هوایی که عوامل برنامه، آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از کار خود می‌دانند.

آرزویی که در آن زندگی می‌کنند

اما اگر «حسینیة معلی» در سال‌های گذشته با نام امام حسین (ع) گره خورده بود، امسال یک آرزوی قدیمی، یعنی آرزوی حضور در جوار امام رضا (ع) نیز به آن اضافه شده است. حسینی می‌گوید سال‌ها میان عوامل برنامه این جمله تکرار می‌شد که «خدا کند پس از پایان هر فصل، قسمت شود برویم پاپوس آقا». آرزویی که امسال شکل دیگری به خود گرفته است. «ما همیشه آرزو می‌کردیم پس



کارگردان برنامه معتقد است از همان روز نخست تلاش شده «حسینیة معلی» بیش از آنکه یک پروژه تلویزیونی باشد، شبیه یک مجلس روضه باشد. او از روزهایی یاد می‌کند که